

## «ضرورت وحدت» برای حفظ رژیم

را علیه ایران اسلامی آغاز کرده اند، اولین جبهه مقابله پرونده هسته ای است و باید بر ضرورت حفظ وحدت در بحران هسته ای تاکید کرد.» نمایانگر آن اوضاع دشواری است که هم اکنون رژیم ولایت فقیه با آن روبرو گردیده است. رفسنجانی در تشریح این دشواری با صراحت اعلام می کند: «ما وارد کارزاری شده ایم که طالب آن نیستیم و در این راه امداد های خدا یاری رسان بندگانش است در عین حال برای برخورداری از امداد خدا شروطی لازم است که مشغول نشدن به

طی روزها و هفته های اخیر، اوضاع جاری در منطقه و ادامه تجاوز نظامی اسرائیل به خاک لبنان با حمایت مستقیم و علنی امپریالیسم آمریکا و تحولات فوق العاده مهم ناشی از آن، تاثیرات جدی و گسترده ای بر معادلات سیاسی داخلی میهن ما به ویژه صف آراییی و درگیری های درون و پیرامون حاکمیت باقی گذارده است.

سخنان هاشمی رفسنجانی در جریان سفر به شهر مشهد و در دیدار با گروهی از روحانیون با نفوذ در آستان قدس رضوی، مبنی بر اینکه، «این روزها با مقدماتی که تهیه دیده اند از چند جبهه حملات خود



شماره ۷۴۵، دوره هشتم  
سال بیستم، ۲۶ مرداد ۱۳۸۵

ادامه در صفحه ۲

## تشدید توطئه های امپریالیسم بر ضد کوبا در ص ۸

### کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد و اثرات فاجعه بار آن بر میهن ما

با فرا رسیدن ۲۸ مرداد ۱۳۸۵، پنجاه و سه سال از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد و سرنگونی حکومت ملی دکتر محمد مصدق می گذرد. کودتای آمریکایی-انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که حکومت پلیسی و ضد ملی شاه را برای بیش از دو دهه بر میهن ما تحمیل کرد از نمونه های روشن تاریخی در اثبات اثرات دهشتناک مداخلات امپریالیستی در کشورهای جهان است. کودتای ۲۸ مرداد قاتل دموکراسی نوپا و در حال رشد میهن ما و زمینه ساز پایمال شدن خشن حقوق و آزادی های دموکراتیک مردم ما برای سال های طولانی بود. مسأله پی بردن به ماهیت واقعی دخالت های خارجی، خصوصاً دخالت های امپریالیسم در کشورهای جهان مسأله بی است که درک اهمیت آن این روزها بیش از پیش باید مورد توجه همه نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور ما باشد.

درباره وقایع مربوط به جنبش ملی شدن نفت، کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، و در پی آن، حکومت بیست و پنج ساله رژیم دیکتاتوری شاه مقالات، کتب و اسناد فراوانی منتشر شده است. حکومت کودتا و ثنا گویان استبداد سلطنتی در تمامی این سال ها برای توجیه سرسپردگی و خیانت خود به منافع ملی میهن ما تلاش گسترده بی را برای تحریف حقایق تاریخی و پاشاندن بذر نفاق و بدبینی به کار گرفتند. جای تأسف بسیار است که پس از گذشت پنجاه و سه سال از این

ادامه در صفحه ۳

## ضرورت ادامه مبارزه طبقه کارگر با تلاش های ارتجاع برای محدود کردن هر چه بیشتر حقوق زحمتکشان

ضرورت اصلاح برخی مواد قانون کار بدون جنجال رسانه ای بررسی کنیم، امروز احساس می شود که قانون کار در روابط کار به دلیل داشتن لحن یکسویه و حمایت های یک جانبه نمی تواند ضامن اجرای عدالت در روابط کار باشد. متأسفانه در قانون کار، ساختار غلط ماده ۲۷ باعث ناکار آمد شدن کمیته انضباطی شده و در مجموع تصمیم گیری در این خصوص تحت تاثیر عواطف انسانی قرار گرفته است، یکی از دلایل شیوع قراردادهای موقت ناکار آمد شدن بخشی از مواد قانون کار و بویژه ماده ۲۷ است.»

البته بر خلاف این تبلیغات که گویا قانون کار لحن یکسویه دارد و حمایت های یک جانبه از کارگران می کند، مطابق آمار رسمی وزارت کار و امور اجتماعی بیش از ۷۰ درصد دادخواست های کارگران اخراج شده طی دو دهه اخیر که، در هیات های حل اختلاف طرح گردیده، به نفع کارفرمایان و تایید اخراج کارگران بوده است. و این در فاصله زمانی است که، همین قانون کار و ماده ۲۷ آن در حال اجرا بوده و رسمیت داشت. حقیقت اینست که هدف ارتجاع چیزی فراتر از این سخنان و تبلیغات بی پشتوانه و دروغین می باشد. اصلاح قانون کار و حذف ماده ۲۷ که در آن تصریح شده اخراج کارگر بدون نظر شرکای

«وزیر کار و معاونت روابط کار ایشان نوکر دست به سینه طیف سرمایه داری سنتی هستند و این پیش نویس هدیه ای از طرف آنان به سرمایه داران سنتی برای سرکوب کامل کارگران و نابودی امنیت شغلی نیروی کار است سردمدار این حرکت خطرناک و مذبذبانه، شخصی به نام باهنر، نایب رییس مجلس است که می خواهد امنیت شغلی کارگران را به بازی بگیرد.» (به نقل از مصاحبه حسن صادقی با خبرنگاری کار ایران، ایلنا)

با اعلام رسمی ابلاغیه خامنه ای در خصوص بند ج اصل ۴۴ قانون اساسی و گسترش خصوصی سازی در کلیه سطوح و به دنبال آن ارایه استقاریه قانون اصلاح تبصره ۱۴ قانون کار و الحاق یک تبصره به آن برای اجرا به وزارت کار، بوسیله احمدی نژاد شاهد انتشار انواع راهکارها، برنامه ها و طرح ها از سوی نهادها و ارگان های مختلف هستیم. در این رابطه خانه کارگر و کانون عالی شوراهای اسلامی کار از مدتی پیش طرح را به نام طرح بهسازی قراردادهای موقت تدوین و سپس تبلیغ کرده و می کند که این طرح مشکل گشای معضل قراردادهای موقت خواهد بود. در واقع نیز یکی از خواست های جدی و مهم زحمتکشان در حال حاضر لغو قراردادهای موقت و جلوگیری از رواج فوق العاده آن است.

اعتراض ها در این زمینه چنان شدید و پر دامنه است که هراس ارتجاع را برانگیخته است. یکی از نمایندگان مجلس هفتم در این باره خاطر نشان ساخت: «قصداً داشتیم به منظور رفع موانع تولید

ادامه در صفحات ۶

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

# برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## ادامه «حفظ وحدت»...

درگیری داخلی در این شرایط مواجهه با جنگ و نزاع یکی از آن هاست، احساس می شود این رشد و بلوغ سیاسی را از خودمان بروز نمی دهیم.» علاوه بر این به گزارش ایلنا به تاریخ ۱۸ مرداد ماه، رفسنجانی در دیدار و گفتگو با واعظ طیبی تولیت آستان قدس رضوی نیز یادآوری کرده بود: «با توجه به اوضاع سیاسی کشور و منطقه، در رابطه با ایجاد فضای مسموم تبلیغاتی و فشار روانی کشورهای غربی علیه نظام جمهوری اسلامی هشدار می دهیم در انتخابات آینده (خبرگان) باید اتحاد و همدلی حفظ شود، انتخابات بیش رو مقطع حساسی برای انقلاب است.»

این سخنان و موضعگیری ها زمانی انجام می گیرد که کشمکش ها در حاکمیت تشدید شده و دولت برگمارده ولی فقیه با چالش های بزرگی در عرصه های گوناگون مواجه است. در این خصوص پایگاه خبری بازتاب که به محافل امنیتی و سپاه مرتبط است در گزارشی با عنوان «انتخابات شوراها، اولین رقابت سیاسی دولت احمدی نژاد» از جمله نوشت: «یک چهره سیاسی نزدیک به رئیس جمهور از تلاش های گسترده برای ارایه یک لیست ویژه انتخاباتی و تضعیف شدید طیف دولت در انتخابات شوراها خبرداد، برخی گروه های سیاسی اصلاح طلب و اصول گرا آماده شده اند، تا انتخابات آینده را به میدانی برای تضعیف دولت تبدیل کنند.»

از دیگر سو، در میان طیف نیروهای ذوب در ولایت فعل و انفعالات پر دامنه و با اهمیت جریان دارد، خبرگزاری ایسنا در اوایل مردادماه در خبری اعلام داشت: «بعد از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و عدم توفیق شورای هماهنگی نیروهای انقلاب در معرفی کاندیدای واحد، بحث های زیادی در مورد فعالیت این شورا در محافل اصول گرایان مطرح شد و این روزها نیز برخی از اخبار از محوریت جبهه پیروان خط امام و رهبری در این دوره از انتخابات به جای شورای هماهنگی نیروهای انقلاب حکایت دارد. در خبر ایسنا از جمله چنین می خوانیم: «دبیر کل جمعیت اینترگران انقلاب اسلامی که هم حزبی اش (یعنی احمدی نژاد) در انتخابات مهم به پیروزی رسید در یک نشست مطبوعاتی پیش از برگزاری کنگره تشکل متبوعش اظهار داشت که شورای هماهنگی به بن بست رسیده و دیگر کارکردی ندارد، برای ایجاد وحدت بین اصول گرایان، باید به دنبال تابلویی جدید برای انتخابات بعدی یعنی شوراها بود.»

این مواضع از سوی جریاناتی چون مولف و روحانیت مبارز با واکنش تند و منفی روبرو شد، ولی عده ای تحت نام جریان «اصول گرای جوان» بر آن مهر تایید زدند. اما برخلاف این گروه، جامعه روحانیت مبارز، مولف و انجمن اسلامی اصناف با تقویت

تشکلی به نام جبهه پیروان خط امام و رهبری که ریاست آن با عسکراولادی است اعلام می کنند شورای هماهنگی وجود دارد و این جبهه ستون فقرات شورای هماهنگی است. سجادی سخنگوی جبهه پیروان خط امام و رهبری که از عناصر نزدیک به بازار و روحانیت مبارز محسوب می شود به خبرگزاری ایسنا در باره وضعیت شورای هماهنگی و مساله اختلاف در میان آن می گوید: «طبق اساسنامه جبهه، ما در حال فعال کردن دفاتر در استان ها هستیم. در تهران فعالیت زیادی داریم و دیگر تشکل های اصول گرا نیز می توانند به ما بپیوندند، بنابراین ستون فقرات شورای هماهنگی محسوب می شویم.»

اختلافات در طیف ذوب در ولایت بر سر کسب رهبری و هدایت مجموعه نیروهای ارتجاع بسیار ژرف و رو به گسترش است. پس از روی کار آمدن دولت احمدی نژاد و سیاست های او که منجر به تضعیف موقعیت و جایگاه جریاناتی چون مولف و روحانیت مبارز در درون طیف ارتجاع مدافع ذوب در ولایت گردید، طی ماه های اخیر با توجه به ناکارآمدی برنامه های دولت احمدی نژاد بویژه در عرصه اقتصادی که گرانی شدید کالاها یک نمونه آن است و فشار شدید خارجی خصوصاً در پرونده هسته ای قدرت مانور مولف و نظایر آن افزایش یافته و نفوذ آنان رو به تقویت گذاشته است، انتخاب دو تن از چهره های اصلی این جناح یعنی علی نقی خاموشی و محمدنهادندیان به عضویت ستاد ویژه اجرای اصل ۴۴ و خصوصاً سازی که از سوی دولت تشکیل شده، علیرغم ناراضی احمدی نژاد و طیف هوادار او، نشانه روشنی از تقویت مواضع این جناح در میان طیف ذوب در ولایت است.

بی دلیل نیست، دبیر کل جامعه اسلامی فرهنگیان که وابسته به هیات های مولف است در پاسخ به دبیر کل جمعیت اینترگران از موضع قدرت می گوید: «حرکت جدید اصول گرایان با هر نامی که باشد، جبهه پیروان خط امام و رهبری در جریان اصول گرا نقش استخوان بندی را ایفا می کنند.» در عرصه سیاست خارجی به ویژه در مساله پرونده هسته ای این کشمکش درون طیف ارتجاع بسیار عمیق و جدی است، مولف و روحانیت مبارز و بطور کلی بازاریان عمده، در چارچوب استراتژی حفظ و بقاء رژیم از اقدامات تنبیهی علیه جمهوری اسلامی نگران و هراسناک هستند، زیرا به ویژه تحریم اقتصادی منافع آنان را که با تجارت و واردات پیوند خورده در خطر می اندازد و در شرایط بحران موضع و موقعیت جناح هوادار دولت و سپاه پاسداران تقویت می گردد. در سوی دیگر جناح بندی های درون و پیرامون حاکمیت، برگزاری کنگره جبهه مشارکت و اعلام رسمی این موضع که با همه اصلاح طلبان ائتلاف می کنیم، سیاستی را ترسیم می کند که با انتخاب محسن میردامادی به دبیر کلی این جریان، سیاست نزدیکی با مجاهدین انقلاب اسلامی و مجمع روحانیون مبارز می تواند نامیده شود. محمد علی ابطحی عضو مجمع روحانیون مبارز طی گفت و گویی با خبرنگار سیاسی پایگاه خبری آفتاب به

تاریخ ۱۹ مرداد ماه این مساله را چنین توضیح داد: «جبهه مشارکت در تمام طول ۸ سال گذشته مرکز برخورد های جریانات غیر مذهبی، مخالفان انقلاب و متحجران دور از مکتب امام بود... شناختن واقعیات جامعه و طرح شعارهای غیر قابل اجرا که می تواند در نهایت به یاس و ناامیدی جامعه منجر شود از نقاط ضعف ۸ ساله این حزب بود.» وی سپس افزوده است: «امیدوارم که این واقعیات باعث شوند تا جبهه مشارکت درک بهتری نسبت به جایگاه بقیه جریانات و شخصیت های سیاسی پیدا کند و در آینده شاهد همکاری جدی همه جریانات اصلاح طلب باشیم.»

پیش از این نیز سعید حجاریان در گفتگو با خبرگزاری ایسنا در باره وضعیت ائتلاف و همکاری میان جریاناتی مانند، مشارکت، کارگزاران، مجاهدین انقلاب اسلامی، مجمع روحانیون مبارز، حزب اعتماد ملی و جز اینها گفته بود: «اصلاح طلبان در شرایط فعلی به سمت همگرایی حرکت می کنند، کدورت های گذشته کاهش پیدا کرده و وفاق حاصل شده است، ائتلاف شاید لفظ دقیقی نباشد، اما توافقاتی بین آنها (اصلاح طلبان حکومتی) صورت گرفته است.» این حرکت به سمت همگرایی البته به معنای پایان کشمکش بر سر محوریت در میان این طیف درون و پیرامون حاکمیت نیست. دشواری های چندی این توافقات به زعم حجاریان را به چالش می گیرد. نقش و نفوذ کارگزاران و رفسنجانی، توان و امکانات کروی و حزبی، جایگاه مجمع روحانیون مبارز و چگونگی تعامل میان این جریانات از موضوعاتی هستند که به سادگی نمی توان از آن گذشت ولی قدر مسلم اینست، سیاست غالب در میان این طیف، همانگونه که حجاریان اشاره کرده، از گشت به قدرت است! قدرتی که در چارچوب رژیم ولایت فقیه معنای روشن و شناخته شده ای دارد؟

میردامادی در سخنرانی پایانی کنگره جبهه مشارکت در ارتباط با مسایل یاد شده، اعلام داشت: «ما پذیرفته ایم که در مسیر تدریجی به اهداف مان برسیم، ما به اصلاح ساختار قدرت در فرآیندی تدریجی معتقدیم، نه به انفعال اعتقاد داریم، نه به طرح شعارهای رادیکال و ساختار شکن، چون طرح شعارهای رادیکال نهایتاً به انفعال می انجامد، ما به مردم سالاری دینی و جمهوری اسلامی اعتقاد داریم و با کسانی که فقط به جمهوری اعتقاد دارند، مرز بندی داریم، ما به حداقل ها اکتفا خواهیم کرد و از طرح خواسته های حداکثری خود داری می کنیم ائتلاف را سر لوحه کار خودمان قرار داده ایم و ائتلاف را نشانه بلوغ سیاسی برای رسیدن به خواسته های حداقلی می دانیم.»

بدیهی است که با توجه به تحولات تند و پر تنش منطقه و تشدید فشار بر رژیم نیروهای داخلی نیز در مواضع و سیاست های خود تغییراتی ایجاد کنند. مسأله «خطر خارجی» و مداخلات امپریالیسم در امور داخلی ایران، همان طور که ما بارها اعلام کرده ایم، تنها به نفع تثبیت منافع ارتجاع در میهن ماست.

## ادامه ۲۸ مرداد ...

واقعه و انتشار این همه اسناد تاریخی ما هنوز شاهد رسوبات تبلیغاتی دستگاه حکومت کودتا، خصوصاً انتشارات ساواک و سازمان سیا در میان برخی از مقالات و نوشته هایی هستیم که هنوز درباره ۲۸ مرداد به رشته تحریر کشیده می شوند.

حزب توده ایران در طول پنجاه و سه سال گذشته مجموعه گسترده یی را از اسناد و ارزیابی ها درباره علل و زمینه های واقعی کودتای ۲۸ مرداد منتشر کرده است که عمدتاً بر فاکت های تاریخی و اظهار نظر دست اندرکاران کودتا متکی است. به عنوان نمونه آنتونی ایدن، وزیر خارجه وقت انگلیس، در این زمینه در خاطرات خود نوشته است: «هنگامی که من در ۲۷ اکتبر ۱۹۵۱ (آبان ۱۳۳۰) پست وزارت امور خارجه را به عهده گرفتم دورنمای نگران کننده یی که من درباره آن می اندیشدم چنین بود. ما از ایران خارج شده بودیم. ما آبادان را از دست داده بودیم و قدرت و حیثیت ما در سراسر خاورمیانه به شدت متزلزل شده بود... من باید تصمیم می گرفتم که چگونه با این وضع باید روبه رو شد... من فکر می کردم که اگر مصدق سقوط کند کاملاً متحمل است جای او را دولت عاقل تری بگیرد که انعقاد قرار داد رضایت بخشی را ممکن سازد...»

فاکت دیگر تاریخی جالب اظهار نظر آیزنهاور، رئیس جمهوری وقت آمریکا، در پی برگزاری فرزندوم دکتر مصدق و انحلال مجلس دربار، در تاریخ ۱۴ اوت ۱۹۵۳ (۲۴ مرداد ماه ۱۳۳۲)، درباره وضعیت ایران است. او از جمله گفت: «این امر برای آمریکا عاقبت شومی در بر دارد. توسعه کمونیسم در آسیا موجب نگرانی بسیار است. صبح امروز در روزنامه ها خواندید که دکتر مصدق نخست وزیر ایران سرانجام توانست خود را از زیر بار انتقادات مجلس ایران خلاص کند و آن را منحل ساخت. وی البته برای رسیدن به مقصود از کمونیست ها مدد گرفت. لازم است دولت آمریکا برای جلوگیری از توسعه نفوذ کمونیسم در کشورهای آسیا منجمه ایران اقدامات لازم را به عمل آورد. هم اکنون تصمیماتی اتخاذ شده است. دیر یا زود باید راه توسعه کمونیسم در آسیا را مسدود کرد. ما به این کار مصمم هستیم.»

درباره چگونگی سازمان دهی کودتا نیز در سال های اخیر اسناد جالبی منتشر شده است. در سندی که در ماه مارس ۱۹۵۴ (فروردین ماه ۱۳۳۳)، به قلم دانلد ویلبر، از طراحان کودتا در سازمان جاسوسی سیا نوشته شده است و در ۱۵ اکتبر سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶) یعنی پس از گذشت ۴۴ سال از طبقه بندی اسناد محرمانه سازمان سیا خارج شده است، می خوانیم: «مأموران سیا در سازماندهی کودتای ایران، مستقیماً با افسران سلطنت طلب ایران فعالیت می کردند، جانشین نخست وزیر [دکتر مصدق] را برگزیدند، فرستادگان را نزد شاه گسیل داشتند تا به او اعتماد به نفس بدهند و اراده اش را تقویت کنند، یک عملیات بمب گذاری را هدایت کنند که توسط ایرانی ها انجام شد که خود را از اعضای حزب کمونیست توده وانمود می کردند و مقالات و کاریکاتورهایی در روزنامه ها جا می دادند...» (نگاه کنید به روزنامه نیویورک تایمز، ۲۸ فروردین ۱۳۷۹ (آوریل ۲۰۰۰). در همین شماره نیویورک تایمز با استناد به همین اسناد رسمی دولت آمریکا افزوده شده است که: «آلن دبلیو دالس، رئیس سازمان سیا، در چهارم آوریل ۱۹۵۳ (فروردین ۱۳۳۲)، با یک میلیون دلار هزینه، برای ساقط کردن دولت مصدق، با هر روش ممکن، موافقت کرد. هدف: «به قدرت رساندن دولتی بود که بتواند به یک راه حل معقول در مورد نفت برسد. ایران را قادر سازد از لحاظ اقتصادی با ثبات و از لحاظ مالی قادر به پرداخت بدهی هایش شود و بتواند حزب کمونیست را که به نحو خطرناکی قوی است مورد تعقیب شدید قرار دهد.»

آنچه از پس این انبوه اسناد تاریخی روشن می گردد این حقیقت است که دولت های استعماری برای سرکوب نهضت ملی ایران و از بین بردن حزب طبقه کارگر و زحمتکشان ایران، یعنی حزب توده ایران، کودتای ۲۸ مرداد را سازماندهی و اجرا کردند. عدم اتحاد نیروهای ملی و مترقی، تزلزل تاریخی بورژوازی ملی ایران، به رهبری جبهه ملی، و هراس از اتحاد با نیروهای چپ، اعتماد و خوش بینی نادرست دکتر مصدق به دولت آمریکا و همچنین هم راه شدن بخش هایی از رهبران مذهبی، از جمله آیت الله کاشانی با کودتا گران زمینه های شکست جنبش و فاجعه تحمیل ۲۵ سال حکومت پلیسی و وابسته شاه را، به ایران فراهم آورد. تجربه ۲۸ مرداد همچنان نشان داد که ارتجاع داخلی در اشکال گوناگونش و بررغم همه ادعاهای دروغین «وطن پرستی» در انتها ابزار دست و زمینه ساز دخالت نیروهای خارجی در امور داخلی میهن ماست. اگرچه از کودتای ۲۸ مرداد ۵۳ سال می گذرد، ولی درس های آن همچنان امروز برای نیروهای ترقی خواه و آزادی طلب مهم و ضروری است. ۲۸ مرداد نشان داد که آفت پراکندگی نیروها و عدم اتحاد همه مدافعان آزادی و منافع میهن مهم ترین زمینه ساز پیروزی دشمنان آزادی و استقلال میهن ماست و این تجربه تاریخی در اوضاع حساس و مهم کنونی بیش از پیش باید مورد توجه قرار گیرد.

## تحصن و همبستگی کارگران شرکت

## واحد: کارگران از سندیکای خود

## دفاع می کنند

مبارزه کارگران اخراج شده عضو سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه برای بازگشت بکار و

تضمین زندگی و معیشت خانواده های آنان با تحصن گروهی از این زحمتکشان علیرغم فشار و سرکوب رژیم

و بی اعتنایی مطلق ارگان های ذی ربط همچنان ادامه دارد. بنابه گزارشات متعدد در رسانه های همگانی، زحمتکشان شرکت واحد که صرفاً به دلیل عضویت در یک سندیکای علنی و قانونی از کار اخراج شده اند، در محل اداره کار شرق تهران دست به یک تحصن زدند. نایب رییس سندیکای شرکت واحد در رابطه با این حرکت اعتراضی به خبرنگاران اعلام داشت: «مشخص نیست، چرا مسئولان این اداره از رسیدگی به خواسته های کارگران فرار می کنند.» این تحصن و اعتراض به حق و مسالمت آمیز، گرچه در میان مسئولان رژیم، با واکنش قابل توجه و رسیدگی به خواسته های زحمتکشان روبرو نشد، ولی موجب برانگیخته شدن موج همبستگی و اعلام حمایت از سوی کارگران بویژه رانندگان زحمتکش شرکت واحد گردید، خبرگزاری کار ایران (ایلنا) در تاریخ ۱۶ مرداد ماه در گزارشی در این رابطه نوشت: «رانندگان شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه در اعتراض به اخراج جمعی از همکاران خود، امروز چراغ اتوبوس خود را روشن نگاه داشتند.» به گزارش خبرنگاران گروه کارگری ایلنا از سطح شهر جمعی از رانندگان خطوط مختلف شرکت واحد، ضمن اعتراض به اخراج همکاران خویش و عدم پاسخگویی مسئولان خواهان روشن شدن وضعیت رانندگان و کارگران اخراجی شدند یکی از رانندگان به خبرنگار اعلام کرد: «با وجود گذشت نزدیک به ۶ ماه از اخراج رانندگان ..... بلا تکلیفی همکاران ما تا چه زمانی ادامه خواهد یافت. ما امروزه طور خود جوش چراغ ماشین خود را روشن کردیم تا مراتب اعتراض خود را به اخراج همکاران اعلام نماییم.»

این اقدام خود جوش و همبستگی تحسین برانگیز نشانگر این واقعیت است که زحمتکشان در زندگی روزمره خود به اهمیت مبارزه برای تامین حقوق خود در چارچوب سندیکاهای واقعی و مستقل پی برده اند. مبارزه کارگران شرکت واحد و سندیکای قانونی آنها بخشی از پیکار سراسری زحمتکشان میهن ما برای احیای حقوق سندیکایی است که باید با تمام توان از استقلال عمل این سندیکا و دیگر تشکل های مستقل در برابر توفند های رنگارنگ رژیم مراقبت کرد.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی  
ایران!



### تشدید فشار بر مطبوعات

فشار نیروهای رژیم به مطبوعات و خبرنگاران هم چنان ادامه دارد. آخرین نمونه این امر تمهیدات جدیدی است که علیه یکی دیگر از روزنامه های غیر وابسته به نام «شرق» صورت می گیرد. در این ارتباط صدور یک ابلاغیه راجع به این روزنامه بر نگرانی کارکنان و خوانندگان این روزنامه افزوده است.

روزنامه شرق، یک روزنامه غیردولتی است که برخلاف روزنامه هایی چون کیهان [ارگان نزدیک به خامنه ای که زیر نظارت حسین شریعتمداری اداره می شود]، رسالت و جمهوری اسلامی که هر یک در واقع بلندگوی تبلیغاتی رژیم محسوب می شوند. تقریباً عمده فعالیت آن اطلاع رسانی و فعالیت مطبوعاتی است. در این روزنامه بیشترین حجم مطالب از آثار نویسندگان و روشنفکران غیر وابسته به نهادها و ارگان های دولتی منتشر می شود. نام روزنامه شرق بیشتر در جریان انتخابات مجلس و تحصن برخی از نمایندگان بر سرزبان ها افتاد. از آنجا که گزارش ها و اخبار انتقادی در آن به چاپ می رسد، تیراژ این روزنامه مدام افزایش داشته است. البته طی سال های اخیر شکایات فراوانی به خصوص از جانب نیروهای افراطی و متعصب که در میان آنان برخی از مقامات و مسئولین مانند مصباح یزدی دیده می شود، علیه این روزنامه در دادگاه مطرح شده است. و این امر صرفاً به منظور کار شکنی و جلوگیری از فعالیت مطبوعاتی خبرنگاران و عکاسان در کار خود بوده است. آخرین نمونه کار شکنی و ایجاد مانع برای ادامه کاری روزنامه «شرق» دستور هیات نظارت بر مطبوعات است، که توسط خبرگزاری ها منتشر شده است. در این خبر آمده است که ابلاغیه ای برای این روزنامه فرستاده شده و از شرق

خواسته شده که ظرف یک ماه مدیر مسئول جدیدی که «دقت بیشتری در انتشار مطالب داشته باشد» معرفی کند. جالب این جا است که در بخشی از متن این ابلاغیه تصریح شده است که این تصمیم به منظور حمایت از انتشار نشریات صورت گرفته می گیرد! این سومین بار است که هیات نظارت در طی مدت کوتاهی به «پرونده» روزنامه شرق رسیدگی می کند. ایرادات وارده به شرق شامل موارد متعددی از جمله انتشار مطالب الحادی، و توهین به شخصیت های دینی (که هریک از این موارد برای خفه کردن و توقیف مطبوعات کافی است) می شود. در ارتباط با اتهامات و تخلفات این روزنامه تنها کافی است به لیست بالا بلندی که در ابلاغیه آمده است اشاره شود. در بخشی از این متن که سایت آفتاب آن را منتشر کرده است چنین می خوانیم: «این هیات برای سومین بار پرونده روزنامه شرق را مورد بحث و بررسی قرار داد و با عنایت به صدور بیش از ۷۰ اخطار و تذکره به این نشریه و با توجه به انتشار مطالب الحادی در این روزنامه، انتشار مطالب تفرقه آمیز مشتمل بر توهین به شخصیت های دینی، سیاسی و ملی، انتشار مطالب مغایر با مصوبات شورای عالی امنیت ملی، همچنین به منظور حمایت از انتشار نشریات، مقرر کرد به این روزنامه مدت یک ماه مهلت داده شود تا نسبت به معرفی مدیر مسئول جدید که پس از تصویب هیات نظارت بر مطبوعات دقت بیشتری در انتشار مطالب داشته باشد، اقدام نماید.» این که چه نیروهایی و نهادهایی طرح کننده این همه شکایات علیه این روزنامه و دست اندرکاران آن هستند، برای مردم میهن ما مثل روز روشن است. در غیر این صورت شکی نیست که هیات نظارت چنین حکم و دستوری را صادر نمی کرد. باید دید که آیا نیروهای ذوب در ولایت فقیه این بار نیز می توانند این روزنامه را که یکی از نشریات باقی مانده از دوره اصلاحات محسوب می گردد، از سر راه خود بردارند و آن را مانند بسیاری از مطبوعات دیگر به محاق توقیف در آورده یا برای همیشه مانع انتشار آن شوند؟

### فعالیت مجدد ستادهای انتخاباتی حامی احمدی نژاد

اعلام تاریخ برگزاری هم زمان انتخابات خبرگان و انتخابات شوراها (آن هم با وجود اعتراض ها و مخالفت ها) که قرار است با یک ماه تاخیر در ۲۴ آذر ماه امسال برگزار شود، از هم اکنون تحرکی را در بین نهادها و مقامات حکومت برای کسب و تصاحب کرسی ها ایجاد کرده است. تلاش ذوب شدگان در ولایت بر آن است که در هر دو انتخابات (هم خبرگان رهبری و هم شوراها) با استفاده از تجربیات گذشته و خصوصاً تجربه انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری که توانستند کاندیدای خود را با استفاده از تمام شیوه های ممکن به کرسی ریاست جمهوری بنشانند این دو انتخابات را نیز به عرصه ای تبدیل کند که تنها نامزدهای آنها از صندوق ها بیرون آیند. بی جهت نیست که از هم اکنون حتی برخی از نیروهای وفادار به «نظام» و خودی نیز نگران این هستند که نتوانند آن طور که می خواهند در این انتخابات عرض اندام کنند، و به تجربه دریافته اند که به احتمال قریب به یقین بازنده نهایی خواهند بود، برای این انتخابات عنوان انتصابات را برگزیده اند و در تبلیغات خود به کار می برند. با این حال موضوع مهم که در این هفته اعلام شد، وعده حضور حامیان احمدی نژاد در این انتخابات و تلاش برای قبضه انتخاباتی توسط هواداران رئیس جمهور است. اولین نشانه این امر را باید در آغاز فعالیت مجدد ستادهای انتخاباتی حامی احمدی نژاد در تهران و سایر نقاط دید. در این ارتباط «علی ذبیحی» مشاور رئیس جمهور در امور منابع انسانی، در مصاحبه با ایسنا ضمن تایید فعالیت دوباره ستادهای انتخاباتی حامی احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری، برای حضور در انتخابات شوراها گفت: «این ستاد ها برای انتخابات شوراها فعال شده اند ولی هیچ وابستگی به دولت ندارند.» مشاور رئیس جمهور احمدی نژاد با برجسب این که این ستادها از نیروهای مردمی تشکیل شده اند، ادامه می دهد: «کسانی که در انتخابات نهم به عنوان نیروهای مردمی برای حمایت از آقای احمدی نژاد در صحنه انتخابات حضور پیدا کردند اکنون منسجم تر شده اند و قصد دارند در انتخابات شوراها نیز از آرمانی که در انتخابات نهم داشتند دفاع کنند.» بنابراین این باید حضور و آغاز فعالیت مجدد ستادهای انتخاباتی حامی احمدی نژاد را به مثابه دخالت مستقیم دولت برای تبدیل انتخابات به انتصابات بشمار آورد. هدف اصلی حضور این نوع ستاد ها بیشتر انتخابات شوراها را مد نظر دارد. جای تردید نیست که رژیم با وجود همه نوع التزامات و فیلترهای تصفیه نامزدهای انتخاباتی، بازهم نگران این امر است که مبادا کاندیدای به درون شوراها راه یابد که آماده ذوب شدن در ولی فقیه نباشد. بنابراین باید با توجه به این تدابیر ابطال انتخابات را از هم اکنون اعلام کرد.

در همین زمینه باید نظرات اخیر هاشمی رفسنجانی را نیز مورد توجه قرار داد که انتخابات آتی را مقطع حساسی اعلام کرده و همه نیروها را به همدلی در انتخابات آتی فرا می خواند. به گزارش ایلنا، هاشمی رفسنجانی که رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام است، در دیدار با آیت الله واعظ

## ادامه نگاهی به رویدادهای ایران ...

طبسی نماینده ولی فقیه در استان خراسان و تولیت آستان قدس رضوی و استاندار خراسان، با اشاره به اوضاع سیاسی کشور و منطقه هشدار داد. هاشمی رفسنجانی انتخابات پیش رو را حساس خواند و گفت: در این شرایط لازم است با همدلی و اتحاد بیشتری عمل کنیم و نگذاریم دشمن به بهانه انتخابات، بین ما تفرقه بیندازد.

## آیا دروغ هر چقدر بزرگتر باشد، باور به آن بیشتر است؟

گوبلز وزیر تبلیغات آلمان هیتلری را همه می شناسند. وی متناسب با شغل و حرفه اش که در واقع بزک کردن چهره کربیه فاشیسم بود، جمله ای دارد که آن را نیز مردم بارها شنیده اند. گوبلز یک بار در سخنرانی برای توجیه سیاست تبلیغاتی خود که سلاح دروغ یکی از پایه های اصلی آن محسوب می شد، چنین گفته بود: دروغ هر چه قدر بزرگ تر باشد، مردم زودتر آن را باور می کنند. در میهن ما نیز که زیر سیطره یک حکومت سیاه و ارتجاعی رنج می برد، هر روز از این گونه دروغ های بزرگ از زبان برخی از سران رژیم شنیده می شود. از آن میان است: ایران آزادترین کشور دنیاست و غیره که در هر سخنرانی توسط سران حکومت تبلیغ می شود. منتها امروز دوشنبه ۲۳ مردادماه یکی از مقامات دولتی سخنانی مطرح کرد که در نمونه خود بی نظیر است.

وزیر کشور دولت احمدی نژاد، مصطفی پور محمدی در یک دیدار مطبوعاتی در ارتباط با فضای باز سیاسی در ایران چنین خاطر نشان می کند: «جامعه ما از پشتاتز ترین جوامع به لحاظ مردم سالاری است و برخی کسانی که تمدن و فرهنگ ایران را دوست ندارند اتهامات و نسبت هایی را به مردم کشور ما می دهند اما به خوبی می دانند که جامعه ما جزء باز ترین جوامع دنیا است و هیچ تردیدی در این مسئله وجود ندارد.» وی در ادامه در ارتباط با «وجود آزادی بیان و مطبوعات» در جمهوری اسلامی، پا را از گلیم خود فراتر گذاشته و چنین مدعی می شود: «هر کشوری که در عرصه آزادی بیان و مطبوعات مدعی است، می تواند در کشور ما جست و جو کند تا مشخص شود اطلاعات عمومی شهروندان ما از مسائل چگونه است.» این مدعیات در شرایطی عنوان می گردد که دایره فشار بر مطبوعات و کارکنان مطبوعاتی هر روز افزایش می یابد. هنوز بیش از چند روز از مرگ مشکوک دانشجوی مبارز اکبر محمدی در یکی از زندان های «آزادترین کشور دنیا»، نمی گذرد. زنان از ابتدایی ترین حقوق خود از جمله حق انتخاب پوشش، حق مسافرت و غیره محروم هستند. احزاب سیاسی اجازه فعالیت آزادانه برای ارایه برنامه ها و خواسته های خود را ندارند. این لیست ناقص را می توان تا بی نهایت ادامه داد. ولی وزیر کشور گویی که خود در کشور دیگری زندگی می کند، مدعی است که در ایران اسلامی زمینه «آزادی بیان و مطبوعات و مردم سالاری» گوی سبقت را از دیگر کشورها ربوده است. منتها از آن رو که می گویند دروغ گو کم حافظه است. دم خروس آقای وزیر کشور در ادامه این گفت و گو هویدا می شود. زیرا مصطفی پور محمدی در ادامه مصاحبه که بخش هایی از آن را خبرگزاری ایلنا، بازتاب داده است، به موضوع قانون جمع آوری آنتن های ماهواره ای در کشور اشاره می کند و در مقابل سوالی در این باره چنین می گوید: «این قانون کماکان به قوت خود باقی است و وزارت کشور طبق روال گذشته بدون هیچ تقابلی سعی در اجرای این قانون دارد.» البته باید علاوه به مسئله جمع آوری آنتن های ماهواره ای مردم توسط نیروهای امنیتی رژیم، باید به موضوع کنترل سایت های اینترنتی، قفل کردن سایت های احزاب و سازمان ها از جمله سایت حزب توده ایران، که مردم نمی توانند از داخل کشور به آن وارد شوند و پیگرد و دستگیری افرادی که به اصطلاح ارگان های قضایی رژیم در این زمینه «تخلف» می کنند، اشاره کرد. مردم میهن ما هر روز با پوست و گوشت خود فشارهای عدیده حکومت دیکتاتوری را لمس می کنند. و درست به این خاطر است که وزیر کشور سعی می کند که با بیان دروغ های بزرگ به چشم حقیقت خاک باشد.

## ادامه سوار بر توفان ...

روزنامه نگاران مترقی، از جمله اسحاق، را دستگیر کردند. ح.ک.ا. برای چند ماه قانونی باقی ماند اما در پی تبلیغات مداوم ضد کمونیستی در رادیو و مطبوعات، سوهارتو به خشونت هر چه تمام تر اما با مهارت محتوای اخبار را به سوی هدفی که در نظر داشت سوق داد.

در فاصله سال های ۱۹۶۵ تا ۶۷ اسحاق چندین بار زندانی شد، ولی دست آخر در سال ۱۹۶۸ به زندان سالمبا در جاکارتا انداخته شد که تا ده سال در آن زندانی بود. در اواخر دهه ۱۹۷۰ او با پرامودیا آنتتا تور، نامدارترین نویسنده اندونزی آشنا شد که او هم از سال ۱۹۶۵ چند سالی را به عنوان زندانی سیاسی در بند گذرانده بود. در همین سال ها این دو به همراه یکی از همکارانشان در سندیکای روزنامه نگاران به نام هاشم رحمان بنگاه چاپ و نشر «هستا میترا» (دست های دوستی) را به راه انداختند. در سال ۱۹۸۱ انتشاراتی «هستا میترا» کتاب «این زمین بشر» پرامودیا را چاپ کرد که در حال و هوای سال های پایانی سده نوزدهم و سال های آغازین دهه بیستم در جاوه سیر می کند.

پرامودیو در زندان از داشتن حتی یک مداد هم محروم بود، و مجبور شد رمان «این زمین بشر» را از راه بازگویی مکرر داستان برای هم بندانش در زندان جزیره بورو (Buru) تدوین کند. وقتی که رمان به چاپ رسید سر و صدای زیادی به پا کرد و مورد تحسین و تقدیر منتقدان قرار گرفت. فقط در مدت چهار ماه پنج بار تجدید چاپ شد تا این که حکومت دیکتاتوری آن را به علت «ترویج مارکسیسم - لنینیسم» ممنوع اعلام کرد. اسحاق از پای ننشست و به ویرایش و انتشار آثار دیگری از پرامودیا پرداخت. سه کتاب دیگر به نام های «بیچه همه ملل»، «رد پا» و «خانه شیشه خرده»، همراه با «این زمین بشر» مجموعه ای را تشکیل دادند که به مجموعه چهارگانه بورو معروف شد. هر بار که این مجموعه چاپ می شد، کتاب ها به عنوان شاهکارهای ادبی مشتاقانه مورد استقبال پرشور مردم اندونزی قرار می گرفتند، اگرچه رژیم سوهارتو آنها را به عنوان کتاب ضاله ممنوع اعلام می کرد.

اما سد شکسته شده بود. رژیم خونریز سوهارتو دیگر قادر به مهار و سرکوبی جنبش رشد یابنده دموکراسی نبود، و در سال ۱۹۹۸ ساقط شد.

پرامودیا در ۳۰ آوریل امسال (۲۰۰۶) در گذشت اما میراث ادبی هنگفتی از خود به جا گذاشت. نقش اسحاق در مقابله شجاعانه با رژیم و فایق آمدن بر سانسور این امکان را برای نسل جدیدی از اندونزیایی ها فراهم آورده است که بتوانند فارغ از تحریف و دستکاری دیکتاتوری، تاریخ کشورشان را بیاموزند و فرهنگ غنی آن را ارج بگذارند.



## ادامه ضرورت مبارزه طبقه کارگر ...

اجتماعی ممکن نیست، برای قانونیت بخشیدن به کارفرمایان به منظور اخراج بدون دغدغه کارگران است. در ضمن رواج و گسترش قراردادهای موقت بنابه پیشنهاد کمالی وزیر کار دولت رفسنجانی که خود یکی از سردمداران خانه کارگر بود، در ابتدای دهه ۷۰ در دوران به اصطلاح «سازندگی» طرح و به مورد اجرا گذاشته شد و در دوران خاتمی با پیگیری ادامه یافت. رواج قراردادهای موقت محصول سمت گیری اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه است، در عین حال این حمله به حقوق طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان با اجرای نسخه های نهادهای قدرتمند سرمایه داری مانند صندوق بین المللی پول و بانک جهانی با هدف هموار کردن راه ورود به سازمان تجارت جهانی صورت می پذیرد!

در این زمینه خبرگزاری ایلنا به تاریخ ۱۹ تیر ماه گزارش جالب و افشاگری را منتشر ساخت، در این گزارش از جمله چنین آمده است: «قراردادهای موقت هنگامیکه گسترش یافت که، دولت به عنوان بزرگترین کارفرما از بین مدیران بازنشسته (بخوان وایستگان رژیم) یا زیر مجموعه وزارتخانه ها و ارکان های دولتی - شرکت های پیمانکار را تعریف کرد (بخوان تشکیل داد) و سپس با انعقاد پیمان های درون سازمانی سودهای بالایی را نصیب پیمان کاران درون سازمانی نموده و سود حاصل را که مبلغ قابل توجهی بود بین خودشان تقسیم کردند و در نتیجه رانت های دولتی و تقسیم سود بین مدیران دولتی و پیمان کاران دولتی باعث شد تا شاهد تضییع حقوق کارگران و عقد قرار دادهای موقت باشیم.»

حال با توجه به چنین اوضاعی طرح بهسازی قراردادهای موقت که از آن خانه کارگر (به عنوان یک شکل وابسته به رژیم که خود در دورانی از فعالیت مدافع و مبلغ این نوع قراردادهای بود) دفاع می کند، تا چه اندازه می تواند واقعی باشد؟! البته این طرح فقط یک تبلیغات بی پشتوانه بوده است. علاوه بر طرح بهسازی قراردادهای موقت، در ۱۵ مرداد ماه خبرگزاری های داخلی اعلام داشتند، به ابتکار گروهی از نمایندگان مجلس، یک کمیته برای رفع مشکلات کارگران تشکیل خواهد شد خبرگزاری ایلنا در این باره گزارش داد: «عضو فراکسیون کارگری مجلس از تشکیل کمیته ای ۵ نفره برای حل مشکلات کارگری و رفع موانع تولید در کارخانه ها از سوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس خبر داد و ابراز امیدواری کرد که، با تصویب قوانین جدید و نظارت دقیق بر اجرای آن، مشکلات کارگری مرتفع و موجبات آسایش و رفاه کارگران فراهم شود.» این طرح یگانه برنامه مجلس هفتم در خصوص مسایل کارگری و یا به زعم مرتجعان حاکم راه کارهایی برای حل معضلات کارگران نیست. در ۹ مرداد ماه سال جاری یکی از اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس در گفتگو با خبرگزاری ایلنا یادآوری کرد: «مجلس با تمام توان خود برای بهبود زندگی کارگران تلاش می کند، ما طی تماس های مختلف که با وزارت کار داشته ایم، سرانجام به این نتیجه رسیدیم که وزارت کار متعهد شده ظرف ۲ ماه آینده لایحه ای در خصوص ساماندهی قراردادهای موقت، بیمه کارگران، قوانین بازنشستگی و حل مشکلات کارگری به مجلس تقدیم کند، طرحی که قبلاً ما تهیه کرده بودیم (با کمک خانه کارگر) به نام طرح بهسازی قراردادهای موقت اشکالاتی داشت و در حقیقت طرح خام بود که مکانیسم فرایند کار در آن مشخص نبود. در طرح جدید وزارت کار که به صورت لایحه دولت ارائه خواهد شد، تمامی جوانب کار کارشناسی شده و منابع مالی آن نیز پیش بینی خواهد شد، قطعاً دولت در لایحه خود نقطه نظر گروه های کارگری و کارفرمایی را لحاظ خواهد کرد.» این گزارش ها در مقطع زمانی اعلام می شود که، به موازات آن وزارت کار و امور اجتماعی به مناسبت های مختلف بر «وفاداری» و «پایبندی» خود بر قانون برنامه چهارم توسعه و برنامه اهداف چشم انداز ۲۰ ساله تاکید می کند. در این مورد، محمد جهرمی وزیر کار و امور اجتماعی در مراسم تودیع و معارفه مدیر کل جدید کار استان کرمان اعلام داشت: «استراتژی وزارت کار در دوره کنونی تحقق اهداف مورد نظر در چشم انداز بیست ساله کشور است، عمده مشکلات کارگری در کشور مشکل مدیریتی است و در این راه به تغییرات عمده وزیر ساختی، اصلاحات اقتصادی و نوآوری و توسعه بازار نیاز است.» البته وزیر کار درباره این به اصطلاح نوآوری ها و ماهیت آنها توضیح مشخصی ارائه نمی کند. قاعدتاً بخشی از این «نوآوری» اصلاح قانون کار و تغییر آن به سود منافع کلان سرمایه داران است، زیرا وزارت کار از طرح اصلاحات اقتصادی با محور بودن خصوصی سازی قاطعانه حمایت می کند و همانطور که وزیر کار اعتراف کرده است، استراتژی این وزارت در شرایط فعلی تحقق برنامه چشم انداز ۲۰ ساله و پیوستن هر چه

سریعتر به سازمان تجارت جهانی است.

اکنون پافشاری و تاکید بر روی برنامه چهارم توسعه از سوی نهادهای مختلف بویژه در مسایل کارگری - تجاری چشم گیر در رسانه های همگانی تبلیغ می شود. خبرگزاری کار ایران - ایلنا به تاریخ ۱۰ مرداد ماه در مطلبی با عنوان بررسی ماده ۱۰۱ قانون برنامه چهارم از جمله نوشت: «این ماده از قانون برنامه چهارم توسعه مشتمل بر هفت بند است از آن جمله می توان به حقوق بنیادین کار، گفتگوی اجتماعی دولت و شرکای اجتماعی، حق پیگیری حقوقی، صنفی و مدنی کارگران، اشتغال مولد، اصلاح قوانین و مقررات و اتخاذ تدابیر لازم برای اعزام نیروی کار به خارج از کشور اشاره کرد.» و سپس در ادامه همین مطلب افزوده می شود: «در بخش دیگری از این ماده قانونی، اصلاح و بازنگری قوانین و مقررات تامین اجتماعی روابط کار مورد اشاره قرار گرفته که شامل تغییر در قوانین تامین اجتماعی و روابط کار به منظور تعامل و انعطاف بیشتر در بازار کار می باشد.» مفهوم این توضیحات و اصولاً مواد متعدد قانون برنامه چهارم توسعه مشخص است، این قانون چارچوب سمت گیری اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه را تشکیل می دهد که اجرای آن تا به امروز نام دیگری جز تخریب و نابودی اقتصادی ملی آنهم بر پایه دستورات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی ندارد! و جالب اینجاست، علاوه بر مقامات وزارت کار، مسئولان خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار هم از مدافعان جدی آن قلمداد می شوند! برای پی بردن به محتوای واقعی این برنامه و در دام شعارهای عوام فریبانه و بی پشتوانه نیفتادن، توجه به طرح پیشنهادی مرکز پژوهش های مجلس بسیار با اهمیت است.

در اوایل مرداد ماه، دفتر اطلاع رسانی مرکز پژوهش های مجلس در گزارشی اعلام داشت: «این مرکز استراتژی ها و راهکارهای مرتبط با مسایل کارگری و ایجاد اشتغال منطقه ای در کشور را مورد بررسی قرارداد. به دنبال این بررسی ها، مرکز مذکور ۶ استراتژی و راه کار عملی پیشنهاد داده است که خبرگزاری ایلنا بطور خلاصه آنها را در تاریخ ۷ مرداد ماه انتشار داده است.» یکی از این استراتژی ها به زعم مرکز پژوهش های مجلس هفتم، جلب نظر کار آفرینان (کلان سرمایه داران) و کارفرمایان است. استراتژی بعدی که در پیوند با این نظر پیشنهادی نخست قرار می گیرد عبارتست از گسترش خدمات محلی و فعالیت های تجاری! مرکز پژوهش مجلس در این مورد استدلال جالبی را ارائه کرده است: «دلیل انتخاب این استراتژی نیز این است که اشتغال در صنایع خدماتی سریع تر از صنایع کارخانه ای رشد می کند و در واقع احتمال موفقیت و سود آوری در بخش خدمات و تجارت نسبت به بخش های دیگر بیشتر است.»

دقیقاً به دنبال چنین راهکارها و پیشنهادهای است که، پیش نویس اصلاحیه قانون کار تهیه و در هفته گذشته انتشار یافت، روزنامه سرمایه به تاریخ ۱۶ مرداد ماه در گزارشی در این رابطه نوشت: «صف آرای موافقان و مخالفان آغاز شد، انتشار پیش نویس اصلاحیه قانون کار منتشر شد و به منظور دریافت نظرات کارشناسی، روز گذشته در اختیار مجموعه های کارگری کارفرمایی و کارشناسی قرارداد شده. بر اساس اصلاحیه جدید هر گاه کارگر در انجام وظایف خود قصور ورزد (!!!) یا آیین نامه انضباطی کارگاه را نقض کند، کارفرما می تواند پس از ابلاغ حداقل دوبار تذکر کتبی که فاصله میان آن ها کمتر از ۱۵ روز نباشد با جایگزین کردن کارگر جدید (به خوان اخراج) و پرداخت مطالبات و حقوق معوقه و همچنین پرداخت سنوات به نسبت هر سال سابقه، معادل یک ماه آخرین حقوق به کارگر، تحت نظارت واحد کار و امور اجتماعی محل نسبت به فسخ قرارداد اقدام کند.» به علاوه شایان ذکر است، در پیش نویس اصلاحیه قانون کار حتی اگر مراجع حل اختلاف به سود کارگر اخراجی رای بدهند، باز هم کارفرما می تواند به جای بازگرداندن کارگر به کار با پرداخت مبلغ بسیار اندکی به نسبت دو سوم به کارگر و یک سوم به صندوق بیمه بیکاری، مانع از بازگشت به کار اخراجی ها شود! این پیش نویس در خطوط عمده خود در راستای تامین امنیت سرمایه و در چارچوب سمت گیری اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه قرارداد و به شدت مغایر با منافع صنفی زحمتکشان است. آش پخته شده توسط مرتجعان حاکم بر ضد منافع طبقه کارگر و زحمتکشان مهین ما آنقدر شور است که حتی معاون دبیر کل خانه کارگر نیز اعلام می کند که: «با پیش نویس اصلاحیه قانون کار که توسط وزیر کار تدوین شده، باید گفت که صدر رحمت به قانون کار شاهنشاهی که الحق و الانصاف آن قانون به اصلاحیه دکتر جهرمی، شرافت دارد!» اصولاً بدون رای، نظر و لحاظ کردن حقوق قانونی زحمتکشان هر تغییر و اصلاحی مورد قبول طبقه کارگر ایران نیست!

## سوار بر توفان: نگاهی به تاریخ چپ در

## اندونزی

دیدار و گفتگویی با یوسف اسحاق، چپ‌گرای با سابقه اندونزیایی

این مصاحبه توسط کن فولر، خبرنگار ترقی خواه چپ، برای روزنامه انگلیسی زبان «مورنینگ استار» انجام شده است

زیر رهبری کمونیست‌ها فعالیت می‌کردند، و برخی از سندیکاها و کشورهای در حال رشد.

او تا سال ۱۹۶۲ سردبیر روزنامه بزرگ و پرتیراژ «مردکا» (آزادی) بود، اما در این سال صاحبان روزنامه به خاطر دیدگاه‌های مترقی‌اش او را از کار بی‌کار کردند. اسحاق از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵ سمت دبیر کلی انجمن روزنامه نگاران آسیا - آفریقا را داشت که سازمان بین‌المللی بسیار شناخته شده‌ای بود و خودش معتقد است که خدمت در این سمت جان او را نجات داد.



در اواخر سال ۱۹۶۵ سوکارنو به شدت بیمار شد. مسابقه برای جانشینی او آغاز شد و اوضاع کشور ناآرام شد. شایعه کودتا همه کشور را در بر گرفت. در روز ۳۰ سپتامبر همان سال، گروهی از افسران رادیکال ارتش شماری از عناصر نظامی کلیدی دست راستی را که مظنون به

اجرای یک نقشه دست راستی برای گرفتن قدرت از سوکارنو بودند، دستگیر کردند. این عناصر راست‌گرا را بی‌معطلی در پایگاه هوایی هلم (Halim) کشتند، اما وزیر دفاع، ناسوتیون، و یکی از افسران ارشد به نام سوهارتو، از این مهلکه گریختند. عیدیت (Aidit)، دبیر کل وقت ح.ک.ا.، به هلم و از آنجا به مخفی‌گاه رفت، اگرچه بیشتر رهبری ح.ک.ا. در جاکارتا ماندند، از جمله وزیران حزبی در کابینه دولت.

اسحاق برای عیدیت احترام قایل است و اگرچه انتقادهای پس از واقعه را به او وارد نمی‌داند اما ضعف فاجعه آمیز استراتژی عیدیت را نادیده نمی‌گیرد. می‌گوید: «عیدیت یک حزب کمونیست موازی با ح.ک.ا. ساخته بود. در کنار حزب توده ای قانونی کمونیست اندونزی، او یک سازمان جداگانه در میان نیروهای مسلح به وجود آورده بود.» دبیر کل حزب حتی اعضای هیئت سیاسی را نیز در جریان این امر خاص قرار نداده بود. اشتباه خطیر او این بود که در این کار به شخصی به نام سیام (Sjam)، که از اعضای سابق حزب سوسیالیست اندونزی بود، اعتماد کرد و او را معاون خود کرد. آن‌طور که بعدها معلوم شد، سیام از عوامل نظامیان بود. بدین ترتیب، نه تنها سازمان مخفی عیدیت در میان عوامل دست راستی ارتش نفوذ کرده بود و آنها را زیر نظر داشت، بلکه از آن سوی هم جاسوسان و مأموران امنیتی ارتش دست اندر کار جمع‌آوری اطلاعات از سازمان نظامی زیرزمینی و نفوذ در آن بودند. وقتی که توفان سیاسی و ناآرامی کشور را در بر گرفت، سوهارتو حتی پیش از حمله به سازمان‌های ح.ک.ا.، به رسانه‌ها هجوم برد. به نظر اسحاق «او استراتژیست باهوشی بود.» روزنامه‌ها را بستند و

یوسف اسحاق را در دفتری در هم ریخته در پشت خانه او در حومه جنوب جاکارتا ملاقات کردم. در آغاز گفتگو مان پوزش می‌خواهد که مکالمه انگلیسی‌اش چندان خوب نیست و می‌گوید: «در واقع زبان اول من هلندی است.» اما واقعیت این است که او انگلیسی را کاملاً رسا و روان صحبت می‌کند. اسحاق، که اکنون هفتاد و چند ساله است، از نسل در هم گوییده شده روشنفکران چپ‌گرای اندونزی است.

تا اواخر سال ۱۹۶۵ حزب کمونیست اندونزی (ح.ک.ا.) در حدود ۳ میلیون عضو و چندین میلیون دیگر هوادار و طرفدار در بین سندیکاها و سازمان‌های دهقانان، جوانان و زنان داشت، و متحد نزدیک رییس جمهور آن زمان، سوکارنو، به شمار می‌آمد. با وجود این، در پی کودتای دست راستی ۱۹۶۵، همین حزب، که در آن زمان سومین حزب کمونیست بزرگ دنیا بود، در مدت چند ماه در هم شکسته شد. در مدتی کمتر از یک سال، صدها هزار تن از اعضا و هواداران توسط ارتش و متحدان دست راستی اش قتل عام شدند یا به اردوگاه‌های کار اجباری فرستاده شدند. بزرگترین جنبش کمونیستی در خارج از اردوگاه سوسیالیستی به خاک و خون کشیده شد. پس از آن فاجعه عظیم، دیکتاتوری نظامی اندونزی، و در رأس آن ژنرال سوهارتو، به مدت سی سال با سرکوب شدید آزادی‌های دموکراتیک بر کشور حکومت کرد. اسحاق به مدت ده سال در اردوگاه‌های کار اجباری، یا تاپول (Tapol)، به سر برد که سوهارتو برای زندانیان سیاسی تدارک دیده بود. خودش می‌گوید: «من در دوره‌های مختلفی از تاریخ اندونزی زندگی کردم؛ استعمار هلند، اشغال ژاپن، بعد جمهوری اندونزی، جمهوری مترقی اندونزی و سپس یک جمهوری ارتجاعی. من در اوایل انقلاب اندونزی سوکارنویست بودم اما چیزی نگذشت که از آن جریان دل‌سرد و ناامید شدم. چندی بعد هوادار حزب سوسیالیست اندونزی شدم که یک گروه اصلاح طلب غیر انقلابی بود. اما بعدها فهمیدم که سوکارنو از نیروهای مترقی اصیل بود، و دوباره طرفدار او شدم.»

در سال‌های پایانی دهه ۱۹۵۰، اسحاق به عنوان یکی از منتقدان برجسته موسیقی در کشور شناخته شده بود. در همین زمان، او با نایوتو (Nyoto) آشنا شد که یکی از پنج رهبر رده بالای حزب کمونیست اندونزی بود. اسحاق اعتراف می‌کند که در ابتدا نظر خوبی نسبت به این رهبر کمونیست نداشت. می‌گوید که: «سواد کلاسی درست و حسابی نداشت. پیش خودم فکر کردم چنین آدمی چگونه می‌تواند درباره فرهنگ بداند؟» اما نایوتو، به رغم ریشه‌های اجتماعی بسیار ساده‌اش، یک روشنفکر مارکسیست خودآموخته بود که آگاهی‌اش درباره مسائل فرهنگی به قدر یک دایره المعارف بود. اسحاق می‌گوید: «وقتی با او حرف زدم، متوجه شدم که نایوتو به راحتی می‌تواند درباره روسینی [آهنگ ساز ایتالیایی]، پوچینی [موسیقی دان ایتالیایی] یا رنوار [نقاش فرانسوی] صحبت کند. درباره هنر و اپرا اطلاعات داشت. نه فقط صرف داشتن اطلاعات، بلکه اطلاعاتش گسترده، ژرف و همه‌جانبه بود. دل بسته‌اش شدم. آشنایی من با حزب کمونیست از همین جا آغاز شد. ح.ک.ا. حزبی بسیار سازمان یافته بود. از نظم و انضباط محکمی برخوردار بود. وقتی که برای نخستین بار جوای پیوستن به حزب شدم، آنها من را در فاصله معینی در کنار حزب نگه داشتند. هرچه که بود، من یک روشنفکر بورژوازی بودم. اما من سماجت و پافشاری کردم و به تدریج آنها دریافتند که من ممکن است به یک دردی بخورم.» [می‌خندد].

در سال ۱۹۵۹ اسحاق برای ریاست دفتر جاکارتای انجمن روزنامه نگاران اندونزی انتخاب شد. او همچنین از شخصیت‌های برجسته سازمان بین‌المللی روزنامه نگاران بود که فدراسیونی بود مستقر در پراگ، متشکل از سندیکاها و رسانه‌های کشورهای سوسیالیستی، نهاد‌های سندیکایی که



### هشتاد سالگی فیدل کاسترو

## تشدید توطئه های امپریالیسم بر ضد کوبا

مردم کوبا در روز ۲۲ مردادماه ۸۰ مین سالگرد تولد رفیق فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا، و شخصیت برجسته جنبش کمونیستی جهان، را در شرایط ویژه ای جشن گرفتند. این حقیقتی است که تاریخ انقلاب کوبا بطور نزدیکی با زندگی و رزم فیدل کاسترو گره خورده است. زندگی و مبارزه ای که برای نزدیک به پنج دهه مورد توجه و ستایش انقلابیون جهان بوده است.

این حقیقت که حزب کمونیست کوبا توانسته است بر رغم تمامی توطئه ها و خرابکاری های طراحی و اجرا شده از سوی امپریالیسم آمریکا تجربه ساختمان سوسیالیسم در این جزیره کوچک و زیبا، و در ۹۰ میلی خاک ایالات متحده، را ادامه بدهد، تحسین و همبستگی بخش های وسیعی از مردم جهان را برانگیخته است. در طول دوره پس از پیروزی انقلاب کوبا در سال ۱۹۵۹ زمانی نبوده است که سازمان های جاسوسی ایالات متحده و گروه های تروریستی مورد حمایت آنان در صدد بر انداختن دولت انقلابی و از بین بردن رهبر آن، فیدل کاسترو نباشند. به گواه اسناد رسمی کنگره آمریکا ۶۸۶ توطئه سوء قصد برای از بین بردن فیدل کاسترو به هوشیاری مردم و ارگان های رسمی کوبا عقیم مانده اند. دلیل اینکه دولت آمریکا چنین کوشش های رسوایی را در دوره های ریاست جمهوری ۱۰ رئیس جمهور این کشور بلا وقفه دنبال کرده است را باید در وحشت آنان از تاثیر عظیم انقلاب کوبا و دستاوردهای آن در کشورهای جهان در حال توسعه دانست.

نقش برجسته حزب کمونیست کوبا تحت رهبری فیدل کاسترو در هدایت توسعه اجتماعی-فرهنگی کوبا به ویژه در شرایط سخت سال های پس از فروپاشی کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی و اتحاد شوروی در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی، مورد توجه بسیاری از اندیشمندان جهان در رابطه با راه رشدی ممکن و راه گشا برای کشورهای درحال توسعه قرار گرفته است. اینکه دستاوردهای کوبای انقلابی در زمینه آموزش و پرورش، بهداشت و رشد خود کفا به گواه سازمان های بین المللی در نوع خود بی نظیر است، را نمی توان از رهبری فیدل کاسترو و پیشاهنگی حزب کمونیست کوبا جدا کرد.

در هفته های اخیر بدنبال اعلام کناره گیری موقت فیدل کاسترو از سمت های رسمی خود به دلیل یک عمل جراحی و لزوم استراحت ضرور که از سوی پزشکان معالج او تجویز شده بود، بار دیگر نیروهای راست و ارتجاعی، و برخی از وازدگان سیاسی (از جمله در محافل سیاسی ایرانی)، در کارزاری هماهنگ جنگ تبلیغاتی تازه ای را بر

ضد کوبا آغاز کرده اند. جورج بوش و قیحانه اعلام کرد که ایالات متحده «بطور فعال در جهت ایجاد تغییر در کوبا اقدام خواهد کرد.» گروه های ضد انقلابی کوبایی فراری ساکن میامی که توسط سیا و ارگان های رسمی ایالات متحده سازماندهی می شوند، تهدید کرده اند که در صورت مرگ فیدل کاسترو برای تغییر رژیم سیاسی در کوبا اقدام خواهند کرد. آیا این تهدید های مستقیم نمایشگر مداخله در اوضاع داخلی کوبا و در تناقض با قوانین بین المللی نیست؟

در مقابل چنین اقدامات هماهنگ رسوایی است که در روزهای اخیر شاهد انتشار نامه سرگشاده ای در دفاع از تمامیت ارضی و حق حاکمیت کوبا به امضاء نزدیک به ۵۰۰ شخصیت مشهور بین المللی و از جمله ۸ برنده جایزه صلح نوبل بودیم. در این نامه که عنوان آن «به حق حاکمیت کوبا باید احترام گذاشته شود»، است، از جمله آمده است که: «در هنگامی که مواجه با تهدید فزاینده بر ضد تمامیت یک کشور و صلح و امنیت و ثبات آمریکای لاتین و جهان هستیم، ما امضا کنندگان این نامه از دولت ایالات متحده می طلبیم که به حاکمیت کوبا احترام بگذارد.» امضاء کنندگان نامه همچنین طرح «کمسیون کوبای آزاد» مبنی بر سازمان دهی اقدامات تجاوز گرانه بر ضد کوبا را که اخیراً فاش شده است، محکوم می کند. «کمسیون کوبای آزاد» توسط کاندولیزا رایس، وزیر خارجه آمریکا، اداره می شود. این نامه سرگشاده با اظهار نگرانی در رابطه با این طرح های تجاوز گرانه متذکر می شود که باید: «به هر قیمتی که شده از یک تجاوز جدید جلوگیری کنیم.»

نویسندگان برنده جایزه نوبل «خوزه ساراماگو» از پرتقال، «وول سوینکا» از نیجریه، «ادولفو پروز اسکویول» از آرژانتین، و «داريو فو» از ایتالیا از جمله امضاء کنندگان این نامه سرگشاده که وسیعاً در جهان پخش شد، می باشند.

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
آدرس های اینترنت و «ای-میل» » <http://www.tudehpartyiran.org>  
E-Mail: [dabirkhaneh\\_hti@yahoo.de](mailto:dabirkhaneh_hti@yahoo.de)

**Nameh Mardom No. 745**  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

17 August 2006

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰  
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام  
IRANe.V.  
شماره حساب  
790020580  
کد بانک  
10050000  
بانک  
Berliner Sparkasse